

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم (علمی-پژوهشی)

عباسعلی رستمی نسب^۱
مریم ابراهیمی^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در قرآن کریم به طور گسترده مطرح گردیده است، موضوع جهاد است. این تحقیق با هدف بررسی و تبیین جایگاه جهاد در قرآن کریم، صورت گرفته است. موضوعی که به عنوان یکی از مهمترین مبانی ادبیات پایداری و دفاع مقدس به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر از نوع نظری است و با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. نتایج تحقیق مبین آن است که اسلام دین بی تفاوتی و بی‌خیالی نیست و خود را در مقابل همه‌آحاد جامعه مسئول می‌داند. اسلام زیر بار ظلم و ستم، تجاوز دشمن رفتن را نمی‌پذیرد و دستور به جهاد دفاعی، برای حریت و استقلال سرزمین خود، دفع فساد تبهکاران، گرفتن حقوق خود و ممنوعان، رفع فتنه، عزت اسلام، عدم تمرکز قدرت در دست سلطه‌طلبان می‌دهد و برای تداوم حاکمیت قانون الهی، شناخت خود و جهاد با نفس و شناخت دشمن و جهاد با آن، تجویز می‌گردد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که امیال نفسانی از درون و اغوای شیطانی، همواره در کمین گمراهی انسان است، تا او را از بندگی خدای یکتا رها سازند و به دنیاگرایی و شیطان‌پرستی وا دارند. برای گرفتار نشدن در این بلا، بصیرت دین توحیدی ضروری می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: تبیین مفهوم جهاد، مبانی دفاع مقدس، قرآن کریم، دفع سلطه‌گران.

^۱. دانشیار گروه تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

^۲. دبیر آموزش و پرورش: ebrahimi186@yahoo.com

۱- مقدمه

ادبیات به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی در بین همه ملل عالم وجود دارد و طبیعی است که چنین پدیده بزرگی نمی‌تواند دارای مبانی نظری روشنی نباشد؛ زیرا اعتقادات و باورهای مردم بر اساس عناصر جوهری خاصی شکل می‌گیرد. در ایران اسلامی به دلیل تاریخ و فرهنگ غنی آن از یک سو و فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر، ادبیاتی شکل گرفته است که در شاخه‌ها و انواع مختلفی تجلی کرده است که هر کدام، به عناصر جوهری و مبانی نظری مشترک و مختلفی مربوط می‌شود. ادبیات پایداری و دفاع مقدس که از آغاز شکل‌گیری تمدن‌های ایرانی مطرح بوده و تا کنون با شدت و ضعف به کار خود ادامه داده‌است؛ یکی از بارزترین انواع ادبی است که خوشبختانه در تاریخ معاصر ما، ادبیات انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف ادبیات پایداری و ادبیات دفاع مقدس به عنوان گل سرسبد انقلاب اسلامی جایگاه خاصی پیدا کرده‌است. این سؤال همواره در ذهن مردم، به خصوص در اذهان دانش‌پژوهان مطرح است که مبانی اعتقادی مبارزان در صحنه‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس که موجب پیروزی آنها شده است، چه بوده است؟ پاسخ درست به این سؤال، تحقیقاتی علمی، وسیع و متعدّد می‌طلبد که محققان بر اساس دانش و تجربه‌شان، اعتقاد به جهاد فی سبیل الله را به عنوان یکی از مبانی اعتقادی اسلام، در مبارزه با دشمن دانسته و پژوهش در این زمینه را ضروری می‌دانند. این تحقیق بر آن است تا به یکی از مبانی نظری ادبیات پایداری و دفاع مقدس در ایران پردازد که جهاد نام دارد. جهاد از موثرترین عوامل شکل‌گیری ادبیات پایداری، مقاومت و مبارزه در قرآن کریم است. این پژوهش صورت می‌گیرد تا مفهوم، فلسفه، انواع، ابعاد، اهداف، شرایط جهاد و ... از منظر قرآن کریم و صاحب‌نظران روشن گردد و رهنمودهایی از این تبیین، استخراج و ارائه گردد که این خود اهداف این پژوهش است. این تحقیق از نوع نظری است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده‌است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است که در قالب استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل آیات مربوط به جهاد در قرآن کریم صورت گرفته‌است.

۱-۱ - بیان مسئله

جهاد یکی از موضوع‌های بسیار مهم در قرآن کریم است. خداوند متعال در شرایطی خاص، بندگان مؤمن خود را به صورت فردی و یا جمعی به مبارزه تمام و جانانه و مقابله با دشمن مهاجم فرمان می‌دهد و نتایج آن را پیروزی می‌داند.

امروزه ما شاهد تهاجم وسیع دشمنان در ابعاد نظامی، فرهنگی، اقتصادی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستیم. بصیرت و آگاهی نسبت به چگونگی مقابله با دشمنان، آن هم از منظر خدای سبحان، امری بسیار مهم است. مطمئناً این بصیرت، انگیزه بسیار نیرومندی برای ما به وجود خواهد آورد تا در مبارزه با برنامه‌ریزی‌های دشمنان چاره‌اندیشی نماییم و آنها را در عمل ناکام سازیم که این موضوع، ضرورت این پژوهش را روشن می‌سازد؛ لذا سؤال‌های اصلی این تحقیق عبارتند از: چیستی فلسفه جهاد، اهداف، انواع و فضیلت جهاد. در این باره، مقاومت و ایستادگی در برابر ظالمان و تجاوزگران، سرکوبی دشمنان دین و انجام فرمان‌های الهی هدف جهاد، جهاد با نفس و جهاد با دشمنان انواع جهاد، و نتیجه جهاد، رضایت پروردگار و فضیلت جهاد در قرآن کریم خواهد بود.

۱-۲ - پیشینه تحقیق

از جهت پیشینه پژوهش، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ از جمله: «جهاد» (مطهری، ۱۳۶۸)؛ «جهاد در قرآن» (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰)؛ «جهاد در آئینه قرآن» (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۳)؛ «جنگ و جهاد در قرآن» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳)؛ «مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن کریم» (رستمی‌نسب، ۱۳۸۹). این تحقیقات، شامل پاره‌ای از موضوعات مرتبط با جهاد هستند؛ ولی تمامی ابعاد این پژوهش را پوشش نمی‌دهند؛ لذا از این منابع به عنوان پیشینه استفاده گردیده است.

۱-۳ - ضرورت و اهمیت تحقیق

در اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌توان گفت: جهاد، اصلی است که در همه ادیان و تفکرهای بشری وجود داشته است. مهم این است که باید به آن به عنوان یک موضوع

مبنایی نگریسته شود؛ زیرا این احتمال وجود دارد که نسبت به آن سطحی نگری شود و از این بابت، خساراتی به انگیزه دفاع از ارزش‌های انسانی وارد گردد. جهاد در قرآن، مفهومی بسیار عمیق و گسترده است و عمل به آن طبق شرایط خاصی انجام می‌شود.

۲- بحث

۲-۱- مفهوم جهاد

«واژه جهاد و مشتقات آن ۳۵ بار در قرآن آمده است. جهاد در لغت، به معنای تلاش کردن و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف است.» (مصباح، ۱۳۸۳: ۱۹) به تلاش توأم با رنج نیز، جهاد گویند. (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۷۷) جهاد یا ظاهری است یا باطنی. جهاد ظاهری با کافر است به وسیله تیغ، و جهاد باطنی با نفس است به وسیله قهر. (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۶۴) همچنانکه آمده است جهاد به معنای نبرد با دشمن، در راه خداست، و جهاد با نفس، با خود جنگیدن و خویشتن را از خودسری بازداشتن است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۵۵).

«واژه جهاد چون از باب مفاعله است، در مواردی به کار می‌رود که نوعی همکاری، تقابل و رقابت در آن وجود دارد. در جهاد معمولاً طرف دیگری هم در کار است و دو طرف در برابر هم صف آرایی کرده، هر یک برای دست‌یابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می‌پردازد و هر چه توان دارد، به کار می‌گیرد.» (مصباح، ۱۳۸۳: ۱۹)

بر این اساس، جهاد هم «کارزار با دشمنان و به کار بردن حداکثر توان و نیرو، چه زبانی و چه عملی» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶۷) «جهت گسترش پرتو اسلام یا خوف از تغلب آنهاست» (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۶۴) و دارای اهداف حق طلبانه و عادلانه است که برخی به آن جهاد مقدس گویند. (مصباح، ۱۳۸۳: ۲۳) هم مبارزه با هواهای نفسانی است؛ چنانکه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (حج: ۷۸)

بررسی و تبیین جایگاه جهاد.../۹۷

جهاد با دشمن که در مورد آن گفته می‌شود: «تحمل المشاق فی قتال اعداء الدین من جهد الامر جهداً» (کلانتری، ۱۳۶۶: ۷۷) مجاهده با دست و زبان است؛ همانطور که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «جاهدوا الکفار بایدیکم والسنتکم» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

اگر جهاد را از ریشه «جهد» بدانیم، مجاهد کسی است که تمام توان و قدرت خود را در راه هدف به کار می‌گیرد و اگر مجاهد را از ریشه «جهد» بدانیم مجاهد کسی است که با طیب خاطر در فراخنای دشواری‌ها و مشکلات گام می‌گذارد و برای رسیدن به اهداف خود، در سنگلاخ هستی پیش می‌تازد و سرافرازی خود را در عرصهٔ پیکار جست‌وجو می‌کند. (نوری، ۱۳۶۷: ۱۴).

۲-۲- واژه‌های مترادف با جهاد

واژه «جهاد» در قرآن کریم، ۳۵ بار آمده است؛ در حالی که واژه «حرب» به معنای جنگ، چهار بار تکرار شده است. تفاوت اساسی جهاد و جنگ در اصول و روش آنهاست. جنگ‌های معمولی برای کسب قدرت و منافع سیاسی و اقتصادی است؛ اما جهاد برای صیانت از دین است. جنگ برای کسب غنیمت است؛ اما در جهاد، مجاهد آنگاه که به درجهٔ رفیع شهادت می‌رسد، خود سهم خدا می‌شود (پارسا، ۱۳۸۵: ۵۴).

واژه «قتال» یکصد و هفتاد بار در قرآن آمده است؛ در حالی که واژه «سفک دم» به معنای خونریزی تنها دو بار ذکر گردیده است. (بقره: ۳۰ و ۸۴) واژه جهاد، دارای بار ارزشی مثبت است. در مقابل، واژه سفک دم دارای بار ارزشی منفی است. واژه‌هایی چون حرب و قتال دارای بار ارزشی نیستند و می‌توانند در مورد حق و باطل به کار روند؛ اما نکتهٔ قابل توجه این است که هر یک از این سه دسته واژه‌ها، چه واژه جهاد که دارای بار ارزشی مثبت است و چه واژه سفک دم که بار ارزشی منفی دارد و چه واژه‌های حرب و قتال که فی نفسه دارای بار ارزشی نیستند و در مود حق و باطل به کار می‌روند؛ اگر با قید «فی سبیل الله» همراه شوند، دارای بار ارزشی مثبت خواهند شد. (مصباح، ۱۳۸۳: ۲۰)

۲-۳- فلسفه جهاد

«جهاد، جنگ مقدّس مسلمانان، برای دفاع از حریت و استقلال کشور اسلامی است. در بیش از سیصد آیه از آیات قرآن کریم، احکام مربوط به جهاد و دیگر امور مربوط به جنگ از قبیل اسیران، شهیدان، غزوات و ... آمده است. در حدود هشتاد آیه از آیات قرآن کریم، خداوند متعال مومنان را به جهاد دعوت کرده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶۵) «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره: ۲۴۴) «در راه خدا پیکار کنید». خدای سبحان خیر و صلاح جامعه اسلامی را در جهاد قرار داده است؛ گرچه برای مردم دشوار و ناخوشایند باشد. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ...» (بقره: ۲۱۶) «جنگ بر شما واجب شده است با این که برای شما دشوار و ناخوشایند است. شاید چیزی را ناخوشایند بدانید؛ در حالی که برای شما نیکوست و شاید چیزی را دوست بدانید؛ در حالی که آن برای شما شرّ است.»

امام علی(ع) در معرفی پایه‌های ایمان، از جهاد یاد می‌کند. «الایمان علی اربع دعائم: علی الصبر، والیقین، والعدل، والجهاد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۲۹) و در واپسین لحظات حیات مبارک خویش، جهاد با مال و جان و زبان در راه خدا را توصیه می‌فرماید: «اللّٰه الله فی الجهاد باموالکم و انفسکم و السننکم فی سبیل الله» (همان: ۵۵۹).

«اسلام دینی نیست که بگوید که اگر کسی به طرف راست چهره‌ات سیلی زد، طرف چپ را جلو ببر، و دینی نیست که بگوید کار خدا را به خدا و کار قیصر را به قیصر واگذار، و دینی نیست که ایده مقدّس اجتماعی نداشته باشد و یا کوشش در راه دفاع یا بسط آن ایده را لازم نشمارد. به گفته ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، هیچ دینی به اندازه اسلام امت خویش را به سوی قوّت و قدرت نخوانده است.» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۹ و ۲۶) مسیحیت به خود می‌بالد که در مسیحیت هیچ اسمی از جنگ نیست؛ اما مسلمانان مفتخرند که اسلام قانون جهاد دارد. مسیحیت تنها چهار دستور اخلاقی دارد. دیگر چیزی ندارد. راست بگویید. دروغ نگویید. مال مردم را نخورید. این دیگر جهاد نمی‌خواهد.

بررسی و تبیین جایگاه جهاد.../۹۹

اسلام است که وظیفه خود را تشکیل جامعه و حکومت می‌داند و رسالتش، اصلاح جهان است. اسلام نمی‌تواند بی تفاوت باشد. نمی‌تواند جهاد نداشته باشد. دایره مسیحیت، محدود است؛ اما اسلام دایره‌اش وسیع است. مسیحیت تنها اندرز می‌دهد؛ اما اسلام، تمام شئون زندگی بشر را در نظر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۸).

جهاد تنها به شکل نظامی نیست. مبارزه و پیکار در عرصه‌های مختلف اعم از نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... را شامل می‌شود. علاوه بر این، تنها به صورت جانی نیست؛ بلکه گاهی با مال، گاهی با زبان، گاهی حتی با قلب صورت می‌گیرد. «فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم» (قمی، ۱۳۸۲: ۷۰۱) از آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره: ۳۰) «و آن‌گاه بر آدمیان نعمت ارزانی شد که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد ...» می‌توان دریافت که خدای سبحان و فرشتگان قبل از آفرینش انسان، توجه به ویژگی جنگ طلب و خونریز بودن انسان داشته‌اند؛ بنابراین، وقوع جنگ خارج از تدبیر الهی نیست؛ اما در پاسخ به این سؤال که چرا خداوند انسان را به گونه‌ای آفرید که جنگ طلب باشد؟ می‌توان گفت: که شر و فساد انسان از لوازم وجود عالم طبیعت و تراحمات مادی است. عالم طبیعت عالم تضاد و تراحم است. در کنار خیرها، بدی‌ها و رنج‌ها هست؛ به عبارت دیگر، عالم طبیعت بدون مفاسدی چون جنگ، فقر، بیماری و ... امکانپذیر نیست. گرچه با وجود تمام شرارت‌ها و فسادها باز هم خوبی‌ها و مصالح این جهان بیشتر از بدی‌ها و فسادهاست و این مسئله موجب می‌شود که شر و فساد نتواند مانع از تعلق اراده حکیمانه الهی بر آفریدن آن شود (مصباح، ۱۳۸۳: ۳۰). همچنین آیه «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا...» (بقره: ۲۵۳) بیانگر این است که جنگ طلبی انسان، مطابق با تدبیر الهی است؛ زیرا خداوند در این آیه می‌فرماید: «اگر خدا می‌خواست جنگ نمی‌کردند» اگر خداوند امکان جنگ را از انسان می‌گرفت، گرچه انسان زندگی آسوده‌تری داشت و از اضطراب و دغدغه‌های جنگ درامان بود، اما نمی‌توانست به کمال لایق انسانی دست یابد (همان: ۳۱). در خصوص علت و فلسفه جهاد بر اساس آیات قرآن کریم می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱- ایستادگی در برابر ستم ستمگران: مسلمانان در شهر مکه سال‌ها مورد آزار و اذیت مشرکان قرار گرفتند؛ تا آنکه مجبور شدند از شهر خود به سرزمین مدینه هجرت نمایند. «پس از گذشت هفت ماه از هجرت پیامبر(ص) اولین آیه که حامل پیام جهاد بود، نازل شد» (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۵۳) و در این آیه به مسلمانان در برابر ستم ستمگران اجازه ایستادگی و جهاد داده شد. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنِهِمْ ظَلَمُوا...» (حج: ۳۹).

۲- عذاب دشمنان به دست مسلمانان: سنت پرودگار این است که چون قومی به طور کامل فاسد شدند و امیدی به بازگشتشان نبود، مبتلا به عذاب شوند تا ریشه کن گردند و یا این که به وسیله مومنان مورد جنگ قرار گیرند و نابود شوند. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصَبِّحَ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بآيِدِنَا فَتَرْبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتْرَبِّصُونَ» (توبه: ۵۲) «به آنان بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید که یا پیروز شویم و غنایمی به دست آوریم و یا مغلوب گردیم و در راه خدا کشته شویم؟ ما نیز برای شما انتظار می‌بریم که خداوند از جانب خودش یا به دست ما گرفتار عذابتان کند، پس منتظر باشید که ما نیز با شما در انتظاریم».

۳- جهاد برای گرفتن حق: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (انفال: ۱۳) «آن کیفر برآنان بدان سبب بود که با خدا و رسولش به مخالفت برخاستند.» کیفر کسانی که به دشمنی با خدا و پیامبرش برخاستند از مصادیق جهاد برای گرفتن حق است. امام علی(ع) در نکوهش کوفیان فرمود: برای پیروزی منتظر چه چیزی هستید؟ چرا برای گرفتن حق خود جهاد نمی‌کنید؟ آیا در انتظار مرگ یا ذلت هستید؟ (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۴۳)

۴- دفع فساد تبهکاران: «اگر خداوند غریزه دفاع را در انسان‌ها ننهاده بود و به این وسیله، تجاوز برخی از مردم را با برخی دیگر دفع نکرده بود، سراسر روی زمین را تباهی فراگرفته بود؛ ولی خداوند صاحب تفضل است و جهانیان را از فضل خود بهره‌مند می‌سازد» «...وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱).

۲-۴- اهداف جهاد

برخی از اهداف جهاد بر اساس آیات قرآن کریم عبارتند از: الف- آزمایش مؤمنان: خداوند مومنان را با جهاد در راه خدا می‌آزماید تا آنان که بر دشواری‌های اوامر الهی شکیبایند، مشخص گردند: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوًا أَخْبَارَكُمْ» (محمد: ۳۱) «و قطعاً شما را می‌آزمائیم تا از میان شما کسانی را که در راه خدا جهاد می‌کنند و بر دشواری‌های اوامر الهی شکیبایند، مشخص کنیم و کارهای شما را که گزارش‌هایی از شماست، می‌آزماییم.» امام علی (ع) فرمود: «جنگ و ستیز، دلاوری پهلوانان را آشکار می‌سازد» (آمدی، ۱۳۸۷: ۸۳۴) اگر مفسدان نبودند، بسیاری از زمینه‌های آزمایش و دستیابی به کمالات برای صالحان منتفی بود. خدا باوران به وسیله کفار و مشرکان در بوته آزمایش قرار می‌گیرند و در اثر صبر و استقامت به مدارج عالی انسانیت و مقام قرب الهی می‌رسند. (مصباح، ۱۳۸۳: ۴۲) ب- رفع فتنه: خداوند از مومنان می‌خواهد که «با کافران بجنگند تا فتنه‌ای برجا نماند و دین (حاکمیت) یکسره از آن خدا باشد» «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينَ كُلَّهُ لِلَّهِ ...» (انفال: ۳۹) جهاد در راه اسلام، آن گونه که در بعضی اقوام و ملل گذشته و حال دنیا مطرح بوده و هست، به منظور تجاوز به آب و خاک و استعمار و استثمار و یا سلب آزادی و سایر اهداف مادی و قومی نیست. (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۵۲) جهاد برای رفع فتنه دشمنان، و اهدافی از این دست است.

ج- عدم تسلط باطل بر حق: خداوند در قرآن کریم هر نوع تسلط کافران بر مؤمنین را مردود می‌داند. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) یکی از ابعاد حکمت الهی این است که خداوند اراده کرده است که باطل بر حق مسلط نشود که اگر حمایت و دفاع خداوندی نبود اثری از حق باقی نمی‌ماند «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد...» (حج: ۴۰) «و اگر خدا با حکم جهاد، برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌های راهبان و کلیساهای مسیحیان و معابد یهودیان و مساجد ... ویران گشته بود.» د- عزت اسلام: «نتایج مفید و مثبت جنگ، خیرات و برکات آن اصالتاً، و شرور و مفسد آن بالتبع مورد اراده خداست. (مصباح، ۱۳۸۳: ۳۵) یکی از آثار جنگ، نشان دادن عزت اسلام است؛ چنانکه امیرالمؤمنین

علی (ع) فرمود: «...والجهاد عزاً للاسلام...» (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۸۳). هـ- ایجاد روحیه فعالیت: آنجا که خداوند توان و قدرت بیست مجاهد شکیبا را برابر با دویست تن از کافران می‌داند و صد نفر از آن مجاهدان شکیبا را بر هزار تن از کفرپیشگان پیروز می‌داند؛ در مسلمانان روحیه تلاش و فعالیت در راه خود را ایجاد می‌نماید. «... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (انفال: ۶۵) «اگر از شما بیست تن شکیبا باشد، بر دویست تن از کافران چیره می‌شوند، و اگر از شما صد تن شکیبا باشند، بر هزار تن از کفر پیشگان پیروز می‌شوند...». و- سرکوبی عده‌ای، و پراکندگی همه: خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «اگر در جنگ بر آنان دست یافتی که خواهی یافت، چنان بر ایشان سخت گیر که مایه عبرت کسانی شود که در پی آنانند و ترس و نگرانی بر آنان حاکم شود و دیگر برای نبرد با مؤمنان همداستان نشوند که بفهمند پیمان شکنی و ستیزه‌جویی با مؤمنان چه فرجام شومی دارد». «فَأَمَّا تَثَقَفَتْهُمُ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ» (انفال: ۵۷). ز- عدم تمرکز قدرت در دست فرد یا گروهی خاص: خداوند اراده کرده‌است که هیچگاه قدرت در دست یک فرد یا گروه خاص متمرکز نشود، تا انسان بتواند با میل و اراده خویش به خیر یا شر گرایش پیدا کند و در آن حضور یابد که در غیر این صورت حکمت الهی زیر سؤال می‌رود (مصباح، ۱۳۸۳: ۴۴) و تباهی بر زمین حاکم می‌گردد «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ ...» (بقره: ۲۵۱) «و اگر خداوند غریزه دفاع را در انسان ننهاده بود و به این وسیله تجاوز برخی از مردم را با برخی دیگر دفع نکرده بود، سراسر روی زمین را تباهی فرا گرفته بود...» خداوند متعال، گاهی مؤمنان را یاری می‌دهد و گاهی کافران را، پیروزی‌ها و شکست‌ها میان مؤمنان و کفار دست به دست می‌گردد و جابه‌جا می‌شود «... وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ ...» (آل عمران: ۱۴۰) «...ما این روزها (روزهای شکست و پیروزی) را میان مردم می‌گردانیم...» و این برای خود آثار و فواید زیادی دارد.

شهدا نیز در وصیتنامه‌های خود، از اهدافشان برای جهاد در راه خدا گفته‌اند: «هدفم از جبهه رفتن این است که اولاً در راه خدا از دین خدا دفاع نمایم. ثانیاً به آن ندای رسای

بررسی و تبیین جایگاه جهاد.../۱۰۳

حسینی که در دلم انقلابی به وجود آورده بود یعنی «هل من ناصر ینصرنی» مولایم لیبیک گویم. من راه جهاد در راه خدا را انتخاب کردم تا در رکاب امام حسین (ع) به جنگ با دشمنان امام حسین (ع) پردازم و با خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری کنم»^۱ (کنگره سرداران، امیران، فرماندهان و ۸۰۰۰ شهید استان همدان، ۱۳۸۶: ۹). «من جهاد را انتخاب کرده‌ام و وارستگی خود را در همین انتخاب پیدا کرده‌ام. می‌دانم که به طور حتم در این راه شهید می‌شوم و برای روز وصل خودم به لقاءالله، لحظه‌شماری می‌کنم»^۲ (همان: ۱۰) «انگیزه من از جهاد، همانا کمک به دین خدا و برای حفظ اسلام و یاری امام بوده و بس، و امیدوارم که مقبول درگاه ایزدی قرار بگیرد»^۳ (همان: ۱۲) «من آگاهانه و با چشمی باز راهی جبهه شدم تا از حریم مقدس اسلام دفاع کنم»^۴ (همان: ۴۴)

۲-۵- فضیلت جهاد

«خداوند در بیش از ۴۰ آیه از قرآن کریم جنگ مومنان را می‌ستاید و در شش آیه از قرآن، به طور ویژه به فضیلت مجاهدان اشاره می‌نماید» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶۶). خدای سبحان برای مجاهدان امتیاز بزرگی قائل شده است و آنها را از دیگران برتر دانسته است. «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» (نساء: ۹۵) «خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند، در مقام و منزلت، بر وانشستگان برتری داده» زیرا ارزش کار جهاد در راه خدا با هیچ کار دیگری قابل مقایسه نیست. «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوِي عِنْدَ اللَّهِ...» (توبه: ۱۹) «آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجد الحرام را که برخاسته از ایمان به خدا نبوده است، ارج می‌نهد و چنین کسی را با آن کس که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است، یکسان می‌شمیرید؟ نه، این دو گروه نزد خدا یکسان نیستند...» خداوند دوستدار مجاهدان است «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا...» (صف: ۴) زیرا آنان با خدا معامله کرده‌اند «ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم...» (توبه: ۱۱۱) بر همین اساس، هم هدایتشان می‌کند «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا...» (عنكبوت: ۶۹) هم رستگارشان می‌نماید «يا ايها الذين آمنوا... وجاهدوا في سبيله لعلكم تفلحون» (مائده: ۳۵) هم به رحمت خویش امیدوارشان می‌نماید «ان الذين آمنوا و الذين

هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمة الله ...» (بقره: ۲۱۸) و هم دعایشان را مستجاب می‌فرماید و گناهانشان را می‌بخشد و در بهشتشان وارد می‌نماید. «فاستجاب لهم ربهم لا کفرن عنهم سیئاتهم و لادخلنهم جناتٍ تجری من تحتها الانهار ثواباً من عندالله ...» (ال عمران: ۱۹۵) «پس پروردگارشان به آنان پاسخ داد ... حتماً گناهشان را از آنها می‌زداید و آنان را به بوستان‌هایی پوشیده از درختان که از زیر آنها نهرها روان است، در می‌آورم. این پاداش آنهاست، پاداشی از جانب خدا ...»

در ارزش و اهمیت جهاد در راه خدا همین بس که خداوند در قرآن کریم به اسب‌های جنگی و صدای اسب‌ها و برق پاهای آنان ارزش و شرافت بخشیده است و آن را شایسته سوگند خوردن دانسته است. «و العادیاتِ ضَبِحاً فَالْمُورِیَاتِ قَدْحاً» (عادیات: ۱-۲) «سوگند به آن اسب‌ها که نفس زنان به سوی میدان جهاد تاختند. و سوگند به آنها که با نواختن و تاختن بر سنگلاخ‌ها به وسیله سم‌هایشان شراره آتش برآوردند.»

پیامبر اکرم (ص) اوج مسلمانی را جهاد در راه خدا معرفی می‌نماید که تنها مسلمانان برجسته به آن می‌رسند و «یک ساعت ایستادن مجاهد به صف در راه خدا را از عبادت شصت سال بهتر می‌داند» (فرید، ۱۳۸۵: ۱۷۶) و «یک شب نگهبانی در راه خدا را از هزار شب که نماز خوانند و روز آن را روزه دارند، بهتر تلقی می‌فرماید» (همان) و بر این باور است که «دو چشم است که هرگز آتش به آن نمی‌رسد، چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را به حراست در راه خدا به سر برده است» (همان).

رسول خدا (ص) نه تنها شخص مجاهد، بلکه خانواده‌اش را محترم می‌شمارد: «هر کس از جهاد کننده مومنی غیبت کند یا به او آزار رساند یا با خانواده‌اش بدرفتاری نماید، روز قیامت این عمل او را بر پا می‌دارند تا همه نیکی‌های او را فرو گیرد، سپس او را در آتش دوزخ سرنگون می‌کنند. البته این در صورتی است که جهادکننده، در راه طاعت خدا جهاد کرده باشد» (شیخ صدوق، ۵۰۵: ۱۳۸۶).

بررسی و تبیین جایگاه جهاد.../۱۰۵

«مجاهدان بالاترند از این که بگوییم مساوی با اولیاءالله هستند. مجاهدان مساوی با خاصه اولیاءالله هستند. دری که مجاهدان و شهدا از آن وارد بهشت می‌شوند، دری است که خواص اولیاءالله از آن در به جوار قرب الهی نائل می‌گردند» (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۰) پیامبر اکرم (ص) در این باره فرموده‌است: «بهشت را دری است که آن را باب‌المجاهدان گویند که چون مجاهدان به سوی آن روند، آن را به روی خویش گشوده بینند و همچنان با اسلحه خود بدان وارد شوند و جمع حاضران در موقف قیامت و فرشتگان به آنها خوشامد گویند» (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۵۴).

۲-۶- انواع جهاد

۲-۶-۱- جهاد ظاهری و جهاد باطنی

واژه جهاد در قرآن کریم، شامل هر نوع جهاد می‌شود؛ هم جهاد بیرونی و ظاهری، و هم جهاد درونی و باطنی. خداوند در قرآن کریم، پیامبرش را امر به جهاد بیرونی که جهاد با دشمن است، می‌فرماید. «یا ایها النبی جاهد الکفار...» (توبه: ۷۳) و (تحریم: ۹) سپس از پیامبرش می‌خواهد که مردم را به جهاد ترغیب کند. «یا ایها النبی حرض المومنین علی القتال...» (انفال: ۶۵) و خدای سبحان خودش نیز مومنان را امر به جهاد می‌فرماید. «یا ایها الذین آمنوا... و جاهدوا فی سبیله» (مائده: ۳۵) امام علی (ع) نیز، زکات و برکت بدن را، جهاد و روزه معرفی می‌نماید. «زکاة البدن الجهاد والصیام» (آمدی، ۱۳۸۷: ۴۴۱) اما مگر جهاد با دشمن بدون مبارزه با نفس، عملی است؟ جهاد با دشمن در وهله اول جهاد با نفس را می‌طلبد. اصلاً «جنگیدن با دشمن، با جهاد با نفس قرین است. در جنگ با دشمن مجاهد از بسیاری از خواسته‌های خود می‌گذرد، به دنیا پشت می‌کند، از خانواده خود می‌گذرد تا به میدان جنگ برود، زندگی و سلامتی خود را در معرض تهدید و نابودی قرار می‌دهد، بدیهی است که این کار متوقف بر جهادی بزرگ و کم‌نظیر با نفس خواهد بود» (مصباح، ۱۳۸۳: ۲۱) «کسی که با کفار جهاد می‌کند به غنیمت توانگر می‌شود و او که با نفس جهاد می‌کند، به دل توانگر می‌گردد» (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۶۵). قرآن کریم جهاد با نفس را مورد تأکید قرار می‌دهد، آنجا که تلاش در راه خدا و ثبات ایمان را نتیجه تلاشی

می‌داند که از آن خود انسان است و سودی به خداوند نمی‌رساند: «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...» (عنکبوت: ۶) و جهاد کنندگان با نفس را هدایت‌شدگان به دست خداوند و به راه خداوند می‌داند. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...» (عنکبوت: ۶۹) «و کسانی که در آنچه مربوط به ماست، با تمام وجود تلاش کرده و هیچ‌گاه از ایمان و اطاعت بازنمانده‌اند، قطعاً آنان را به راه‌هایی که به ما منتهی می‌شود، راهنمایی می‌کنیم» و از اهل ایمان می‌خواهد «آن چنانکه در خور تلاش برای اوست، در آنچه مربوط به خداست، تلاش نمایند» «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (حج: ۷۸)

امام علی (صلوات‌الله‌علیه) نهایت جهاد را جهاد با نفس می‌داند «غایة المجاهدة ان يجاهد المرء نفسه» (آمدی، ۱۳۸۷: ۵۲۴) و برترین مردم را جهاد کنندگان با نفس معرفی می‌نماید. «افضل الناس من جاهد هواه» (همان: ۲۲۵) و در کلام ارزشمند دیگری می‌فرماید: «به راستی که دوران‌دیش کسی است که خودش را به جهاد با نفسش مشغول، و آن را اصلاح و از آرزوها و لذت‌هایش باز دارد و زمامش را به چنگ گیرد و به راستی که خردمند را خودسازی، از دنیا و مردم و آنچه در آن است، سرگرم سازد» (همان: ۲۷۰)

امام صادق (ع) نیز، در معرفی نفس فرمود: «نفس خود را چون دشمنی دان که با او مبارزه می‌کنی و عاریه‌ای که باید برگردانی؛ زیرا تو طیب نفس خویش قرار داده شده‌ای ... پس، بنگر که با نفس خود چه می‌کنی» (نوحه‌خوان، ۱۳۸۶: ۶۷۱). ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید: «در طاعت خدا از جان مایه بگذارید؛ زیرا هیچ‌یک از خوبی‌ها و ثواب‌هایی که نزد اوست به دست نمی‌آید، مگر با فرمانبری از او و پرهیز از حرام‌هایش.» (همان) امام علی (ع) در این باره فرمود: «کسی که در اطاعت خدا و کناره‌گیری از گناهان او صبور و شکیبایی داشته باشد، او مجاهد بسیار صبوراست» (آمدی، ۱۳۸۷: ۷۸۲)

۲-۶-۲- جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی

جهاد به ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود، گرچه «روح همگی دفاع از حق و حقیقت است» (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱۴) جهاد ابتدایی در جایی است که مسلمانان شروع کننده جنگ با دشمن هستند. بعضی از فقه‌های شیعه معتقدند که «جهاد ابتدایی باید به فرمان امام معصوم صورت گیرد» (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۴۱). برخی از آیات و موضوعات پیرامون جهاد ابتدایی عبارتند از: ۱- جهاد ابتدایی به منظور نجات ستم‌دیدگان از ستم ظالمان که از آن به جهاد آزادی‌بخش تعبیر می‌گردد، آنجا که خداوند مسلمانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و از آنها می‌پرسد: «برای شما چه سودی دارد که در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که ناتوان شمرده شده و مورد ستم کفرپیشگان قرار گرفته‌اند، نمی‌جنگید؟» «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ...» (نساء: ۷۵) ۲- جهاد به منظور مبارزه با مفسدان: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...» (بقره: ۱۹۰) «و در راه خدا با کسانی (مشرکان مکه) که با شما سرجنگ دارند، بجنگید و از حدود الهی تجاوز نکنید.» ۳- جهاد به منظور جلوگیری از یک عمل منکر: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵) «مردم را با برهان و اندرز نیکو به راه پروردگارت فراخوان» ۴- جهاد به منظور رفع موانع دعوت: از آنجا که انسان‌ها در پذیرش اسلام آزادند و خداوند آنها را مختار قرار داده است، انسان‌های مشرک حق ندارند که مانع دعوت آنان به اسلام شوند که اگر این موانع وجود نداشت؛ مردم فوج فوج به دین رو می‌آوردند: «و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا» (نصر: ۲) گرچه در تمام موارد چهارگانه فوق، «هدف شکستن موانعی است که سر راه تکامل انسان، حریت، آزادی و حقوق طبیعی وی پدید آمده و یا برای دفع شرّ اشرار و مفسدانی است که برای نابودی نظام اسلامی قیام کرده و یا نظم و آرامش را به هم می‌زنند» (سبحانی، ج ۱۴، ۱۳۸۳: ۳۲).

قرآن کریم جهاد را منحصرأ نوعی دفاع می‌داند. نمی‌توان جهاد برای بسط ارزش‌های انسانی را محکوم کرد. مسئله تجاوز، مفهوم عامی است؛ یعنی لازم نیست تجاوز به جان، مال، ناموس، سرزمین، استقلال و آزادی باشد. اگر ارزش‌های انسانی هم مورد تجاوز قرار بگیرد، باز تجاوز است (مطهری، ۱۳۶۸: ۶۳).

«دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است.» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷۹) قرآن کریم، جهاد دفاعی را مورد تأیید قرار داده است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا...» (حج: ۳۹) و مردمی را که نسبت به آن سهل انگاری می نمایند، مورد سرزنش قرار می دهد: «آیا با قومی که پیمان خود را شکستند و قصد بیرون راندن پیامبر را داشتند و نخستین بار، آغازگر جنگ با شما بودند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید» «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ...» (توبه: ۱۳) علاوه بر این، جهاد دفاعی را به عنوان عامل برطرف کننده فساد و تباهی بر روی زمین معرفی می نماید: «وَكُلُوا لِقَوْلِ اللَّهِ دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...» (بقره: ۲۵۱) و در جای دیگر بر این نکته تأکید می کند که اگر جهاد دفاعی نبود، دیگر اثری از صومعه های راهبان و کلیساهای مسیحیان و معابد یهودیان و مساجد مسلمین باقی نمی ماند «... و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد...» (حج: ۴۰)

بنابراین از آیات قرآن کریم مستفاد می گردد که جنگ به طور مطلق بد نیست. «اسلام به وسیله جنگ و جهاد، از حق مشروع آدمیان دفاع می کند؛ حقی که فطرت سلیم هر انسانی آن را برای انسانیت قائل است؛ بنابراین، جنگ در اسلام، دفاع است و دفاع، محدود به زمانی است که حوزه اسلام مورد هجوم قرار گیرد و از تعدی و تجاوز نهی فرموده است» (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۳: ۳۴) آنجا که قرآن کریم می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...» (بقره: ۱۹۰) سخن رسول خدا (ص) خود بر قابل توجه بودن حساسیت مردم، نسبت به اسلام و دین گواهی می دهد. «روزگاری بر مردم فرا می رسد که اگر دنیایشان تأمین باشد، هر چه دینشان آسیب ببیند، باکی ندارند» (حرّانی، ۱۳۸۶: ۸۹) ایشان، بی تفاوتی ملت مسلمان را بر نمی تابد و می فرماید: «هر کس به خواری گردن نهد، از ما اهل بیت نیست» (حکیمی و دیگران، ج ۲، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

۲-۷- شیوه‌های ترغیب مسلمانان به جهاد

خدای سبحان در آیات متعدّد، مسلمانان را به شیوه‌های مختلف به جهاد ترغیب نموده است: الف- تحریک عواطف: آنجا که خداوند از مردان و زنان و کودکان ناتوانی که مورد ستم واقع شده‌اند، یاد می‌کند و مجاهدان را به جهاد فرا می‌خواند. «و ما لکم لا تُقاتلون فی سبیل الله و المُستضعفین مِنَ الرّجالِ وَ النّساءِ وَ الولدانِ...» (نساء: ۷۵) «برای شما چه سودی دارد که در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که ناتوان شمرده شده و مورد ستم کفرپیشگان قرار گرفته‌اند، نمی‌جنگید؟» ب- تحریک حس انتقامجویی: خداوند از مجاهدان می‌خواهد که همگی و با همه توان با مشرکان بجنگند، همچنانکه مشرکان، همگی و با تمام توان با مومنان جنگیدند. «... وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِکِینَ کَافَهُ کَمَا یُقَاتِلُونُکُمْ کَافَهُ...» (توبه: ۳۶) «و با همه مشرکان بجنگید، چنانکه آنان نیز با همه شما می‌جنگند.» ج- تبیین اهداف جهاد: آنگاه که خداوند از آزمایش مؤمنان سخن می‌گوید، مومنان هوشیارانه به جهاد ترغیب می‌شوند. «ما شما را آزمایش می‌کنیم تا از میان شما کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند و بر دشواری‌ها شکیبایی می‌ورزند، مشخص نمایم.» «وَ لِنَبْلُوَنَکُمْ حَتّٰی نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِینَ مِنْکُمْ وَ الصّٰبِرِینَ وَ نَبْلُوَ اَخْبَارَکُمْ» (محمد: ۳۱) همچنین زمانی که از دفع فتنه دشمنان به دست مجاهدان سخن می‌گوید. «وَ قَاتِلُوْهُمْ حَتّٰی لَا تَکُوْنَ فِتْنَةٌ وَ یَکُوْنَ الدّٰیْنُ لِلّٰهِ...» (بقره: ۱۹۳) «و با آنان بجنگید تا شرک از بین برود و دین از آن خدا گردد...»

۲-۸- ممنوعیت فرار از جهاد

خداوند در قرآن کریم کسانی را که به هر بهانه‌ای رهسپار جنگ با دشمن نشدند، مورد سرزنش و تهدید قرار می‌دهد، در حالی که خود آنها از سیاست خود راضی و خوشحالند. «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُوْلِ اللهِ وَ کَرِهُوا اَنْ یُّجَاهِدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیْلِ اللهِ...» (توبه: ۸۱).

علاوه بر این، به مومنان امر می‌فرماید که هر گاه با کافران روبرو شدید به آنان پشت نکنید و نگریزید. «یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِذَا لَقِیْتُمْ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا رَحِمًا فَلَا تُوَلُّوْهُمْ الْاَدْبَارَ» (انفال: ۱۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با کافران رو به رو می‌شوید؛ در حالی که

دسته جمعی برای جنگ به سویشان رفته‌اید، به آنان پشت نکنید و نگریزید» که اگر به دشمن پشت کنید و بگریزید، گرفتار غضب الهی خواهید شد و جایگاهتان دوزخ خواهد بود. «وَمَنْ يُؤَلِّمْ يَوْمَئِذٍ دُبرَهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَرِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَإِنَّهُ بَاءٌ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ» (انفال: ۱۶) «و هر کس در آن هنگام پشت به آنان کرده و بگریزد، با خشمی از خدا بازگشته و جایگاهش دوزخ است و آن، بد بازگشت گاهی است».

۲-۹- ضوابط جهاد

آیات ۴۵ تا ۴۷ سوره انفال در بردارنده برخی ضوابط و دستورالعمل‌های مهم جهاد است: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیْتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَ اذْکُرُوا اللّٰهَ کَثِیْرًا لَّعَلَّکُمْ تُفْلِحُوْنَ وَ اطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ لَا تَنَازَعُوْا فَتَفْشَلُوْا وَ تَذَهَبَ رِیْحُکُمْ وَ اصْبِرُوْا ...» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که در میدان نبرد با گروهی از کافران رو به‌رو گشتید، ثابت‌قدم باشید و از برابر آنها مگریزید و خدا را با قلب و زبان خود بسیار یاد کنید که پیروز گردید. و خدا و پیامبرش را در امر جهاد فرمان برید و با یکدیگر اختلاف نکنید که ناتوان می‌شوید و عزت و شکوهتان از بین می‌رود و برسختی‌های جنگ و اطاعت از خدا و پیامبر شکبیا باشید که خدا با شکیبایان است و آنان را یاری خواهد کرد». ثابت‌قدم بودن و فرار نکردن از جنگ، خدا را با قلب و زبان بسیار یاد کردن، اطاعت از فرمانده و رهبر، اتحاد داشتن و عدم اختلاف، صبور و شکبیا بودن و به خود و نیروی خود مغرور نشدن از جمله ضوابط جنگ است که به پیروزی منجر می‌گردد و در این آیات، تاکید شده‌است.

۳- نتیجه‌گیری

آنگاه که زیاده‌خواهی دشمن، او را به ظلم و ستم و تجاوز به حریم سرزمین اسلامی می‌کشاند؛ قرآن کریم به منظور دفع فتنه دشمن و خنثی نمودن ستم ستمگران، و گرفتن حق و حقوق مسلمانان به جهاد امر می‌نماید. گرچه جنگ برای مردم دشوار و ناخوشایند است، اما خداوند خیر و صلاح جامعه اسلامی را در آن قرار داده‌است. اگر اسلام جهاد را

بررسی و تبیین جایگاه جهاد.../۱۱۱

مورد تأکید قرار نمی‌داد، قدرت در دست ستمگران متمرکز می‌گردید و دیگر اثری از خیر و خوبی در جامعه دیده نمی‌شد. خداوند اراده کرده‌است که دشمنان به دست مسلمانان عذاب شوند تا ریشه کن گردند و یا این که مورد جنگ قرار گیرند و نابود شوند. نتیجه‌ای که از جنگ عائد مسلمانان می‌شود هر کدام از حُسنین که باشد خیر است؛ چه پیروز گردند و به غنایم رسند و چه مغلوب گردند و به شهادت رسند؛ در هر صورت چیزی جز خیر و خوبی نیست.

جهاد چه ظاهری باشد و چه باطنی، مبارزه با نفس اماره را می‌طلبد. لازمهٔ مبارزه با دشمن، مبارزه با خواسته‌ها و تمنیات درونی است. آنان که در راه خدا با نفس خود می‌جنگند، خداوند ضامن هدایت آنها به راه خود می‌شود. روح همهٔ جهادها در قرآن کریم، دفاع از حق و حقیقت است؛ چه جهاد ابتدایی باشد و چه دفاعی. جهاد ابتدایی در قالب‌هایی چون جهاد آزادی بخش به منظور نجات ستمدیدگان و ضعیفان، جهاد با مفسدان، جهاد به منظور جلوگیری از یک عمل منکر و جهاد به منظور رفع موانع دعوت مطرح گردیده‌است. جهاد دفاعی گرچه مطابق با فطرت و سرشت آدمی است، اما انگیزهٔ الهی نیرومندی نیاز دارد چرا که گذشت از مال و جان را می‌طلبد. دفاع از اسلام، دین و جلوگیری از تجاوز دشمن به جان و مال و سرزمین مسلمین، از جمله اهداف مقدّس جهاد دفاعی است. اسلام دین خشونت و خونریزی نیست؛ اما دین بی‌تفاوتی و بی‌توجهی هم نیست و خود را در مقابل آحاد جامعه مسئول می‌داند؛ به همین جهت، ظلم و ستم و تجاوز را بر نمی‌تابد و دستور به دفاع می‌دهد. جهاد، جنگی مقدّس برای دفاع از حرّیت و استقلال سرزمین اسلامی است. جنگ و جهاد خارج از تدبیر و ارادهٔ الهی نیست و در دایرهٔ حکمت الهی جای دارد؛ زیرا عالم طبیعت، عالم تضاد و تراحم است و در کنار هر خوبی و خیری، بدی و رنجی نهفته است، گرچه خوبی‌ها و مصالح آن بیشتر است.

خداوند در قرآن کریم نه تنها به مجاهدان اجازه دفاع و جهاد در راه خدا داده‌است؛ بلکه نبرد مجاهدان را ستوده‌است و برای آنان امتیازاتی قائل گردیده‌است؛ تا آنجا که یک ساعت جهاد، با عبادت شصت ساله برابری می‌کند؛ به همین دلیل، جهادگران، راه صد ساله را یک شبه می‌پیمایند و به مدارج عالی کمال دست می‌یابند.

جنگ و جهاد با کافران، منافقان، پیمان‌شکنان از اهل کتاب و گروهی که با مسلمانان سرجنگ دارند از آیات مورد تاکید قرآن کریم است؛ اما از آنجا که رضای الهی در صلح است، قرآن کریم صلح را برتر می‌داند و جامعه اسلامی را به آن دعوت می‌نماید.

جهاد، فلسفه‌ای دارد. عذاب دشمنان و مشرکان به دست مسلمانان، ایستادگی در برابر ظلم ظالمان، جهاد برای گرفتن حق و حقوق خود، و جهاد برای دفع فساد تبهکاران، از جمله علل و فلسفه مورد بحث قرآن کریم است. خداوند، عزت اسلام و جامعه اسلامی را در جهاد قرار داده است و برای باطل، هیچ راه تسلطی بر حق قرار نداده است. مردم جامعه اسلامی با جهاد در راه خدا، مورد آزمایش و امتحان واقع می‌شوند؛ باشد که دشمنان، عده‌ای سرکوب وعده‌ای بترسند و پراکنده گردند. خداوند اراده کرده است که پیروزی و شکست بین کفر و ایمان همیشه در گردش باشد، تا قدرت در دست گروه خاصی متمرکز نشود و افراد بتوانند با میل و اراده خویش خیر و یا شر را برگزینند؛ گرچه خداوند به جبهه حق نوید پیروزی داده است و در آخر، پیروزی جبهه حق قطعی است.

شرکت نکردن در جنگ و جهاد، بدون عذر و پشت نمودن به دشمن و فرار کردن، بر خلاف دستور و رضای خداوندی است. سستی و سهل‌انگاری مسلمین، اختلاف و نزاع آنان بر سر امور، نافرمانی آنان از اوامر رهبری و فرماندهی از جمله عوامل شکست آنان در برخی از جنگ‌ها مطرح گردیده است. خداوند در موقعیت‌های مختلف از مسلمانان دفاع، و آنان را یاری نموده است. در دل مسلمین، آرامش و سکون قرار داده است و در دل کفار، رعب و وحشت؛ تا حق بر باطل پیروز گردد. دشمن را ناچیز جلوه داده است و در مقابل مسلمانان را به صبر و شکیبایی در جهاد امر نموده است و اینها همگی از مصادیق کمک‌ها و امدادهای الهی در مسیر جهاد مقدس در قرآن کریم است.

یادداشت‌ها

۱. وصیتنامه شهید علیرضا ابراهیمی

۲. وصیتنامه شهید غلامرضا ابوالفتحی

۳. وصیتنامه شهید محمدرضا اسفندیاری

۴. وصیتنامه شهید ایرج داوری

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. **قرآن کریم**. ترجمه سید محمدرضا صفوی
۲. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۷). **غرر الحکم و درر الکلم**. ترجمه محمدعلی انصاری. قم: امام عصر (عج).
۳. پارسا، غلامعلی. (۱۳۸۵). **جوانان در جهاد و شهادت**. مشهد: نشر الف.
۴. تقی‌زاده اکبری، علی. (۱۳۸۳). **جهاد در آینه قرآن**. جلد ۱. قم: زمزم هدایت.
۵. حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۸۵). **معارف و معاریف**. جلد ۲. تهران: بنیاد.
۶. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۷). **الحیاء**. جلد ۲. ترجمه احمد آرام. چاپ دهم. قم: دلیل ما.
۷. حرانی، ابومحمد. (۱۳۸۶). **تحف العقول**. ترجمه صادق حسن‌زاده. چاپ هفتم. قم: آل علی (ع).
۸. خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). **فرهنگ جهاد و شهادت در نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی (ره)**. تنظیم از رسول سعادت‌مند. قم: تسنیم.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**. جلد ۱. تهران: دوستان و ناهید.
۱۰. دشتی، محمد. (۱۳۷۹). **ترجمه نهج البلاغه**. قم: حضور.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷). **المفردات فی غریب القرآن**. ترجمه حسین خداپرست. قم: نوید اسلام.
۱۲. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۹). **فرهنگ معارف اسلامی**. جلد ۱. چاپ چهارم. تهران: کومش.
۱۳. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). **منشور جاوید**. جلد ۱۴. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. شیخ صدوق ابن بابویه. (۱۳۸۶). **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**. ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی. قم: اندیشه هادی.
۱۵. طاهری خرم‌آبادی، سید حسن. (۱۳۸۰). **جهاد در قرآن**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۸۷). **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**. چاپ هشتم. قم: نوید اسلام.
۱۷. فرید، مرتضی. (۱۳۸۵). **نهج الفصاحه**. چاپ پانزدهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۸. قمی، عباس. (۱۳۸۲). **مفاتیح الجنان**. ترجمه الهی قشمه‌ای، قم، اسماعیلیان.
۱۹. قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۸۶). **قاموس قرآن**. جلد ۲. چاپ یازدهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. کنگره سرداران ایران، فرماندهان و ۸۰۰۰ شهید استان همدان. (۱۳۸۶). **جهاد دروازه بهشت**. گزیده ای از وصایای شهیدان استان همدان. همدان: نازلی.
۲۱. کلانتری، الیاس. (۱۳۶۶). **مفردات القرآن فی مجمع البیان**. تهران: بنیاد.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). **جهاد**. تهران: صدرا.
۲۳. (۱۳۸۱). **شهید**. تهران: صدرا.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). **جنگ و جهاد در قرآن**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۵. نوری، حسین. (۱۳۶۷). **جهاد**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. نوحه‌خوان، محمدحسین. (۱۳۸۶). **در مکتب امام جعفر صادق علیه‌السلام**. قم: مدین.

ب) مقاله‌ها

۱. رستمی‌نسب، عباسعلی. (۱۳۸۹). «**مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن کریم**». نشریه ادبیات پایداری. شماره ۲، صص ۹۵-۱۰۷.